

یادداشت

نقطه عطف مالی در «بانک دی»

از عبور بحران تا ساختن آینده

ادامه از صفحه یک...نقطه‌ای که می‌توان آن را بی‌تردید «نقطه‌ی عطف مالی» نامید. این نقطه نه فقط حاصل تعدیل شاخص‌ها و اعداد است، بلکه نشانه‌ای بلوغ مدیریتی، ارتقای انضباط مالی و بازتعریف نقش بانک در اقتصاد ملی است. «بانک دی» در ماه‌های اخیر توانسته با اتکا به تصمیم‌های تحلیلی، بازنگری فرآیندها و تکیه بر هم‌افزایی درونی، از وضعیت زیان‌ده گذشته عبور کند و به مرحله‌ای تازه‌از سودآوری پایدار و اعتمادسازی سازمانی برسد.

تحول از نگاه روابط‌عمومی: بازسازی اعتماد، نه فقط بهبود اعداد

اما اهمیت این تحول در نگاه روابط‌عمومی، نه صرفاً در «بهبود عملکرد مالی»، بلکه در بازسازی تصویر برند و بازآفرینی اعتماد عمومی است. اعتماد، ستون فقرات هر نهاد مالی است و «بانک دی» در ماه‌های اخیر نشان داده که می‌توان اعتماد را نه با وعده، بلکه با عمل، شفافیت و استمرار بازگرداند. در روزگاری که برداشت‌های نادرست با روایت‌های ناقص می‌توانند ذهن افکار عمومی را دچار تردید کنند، پاسخ ما بر بستر شفافیت و عملکرد مستند شکل می‌گیرد. آنچه «بانک دی» در مسیر تحول دنبال کرده، نه امتیازخواهی فردی، بلکه تعهدی سازمانی به انضباط، عدالت و پرتامه‌ریزی برای بهبود شاخص‌های مالی و تقویت پایه‌های اعتماد عمومی است.

مدیریت منابع و انضباط مالی؛ بنیان تحول

اعتماد سهام‌داران، کارکنان و مشتریان به مرور زمان و با صداقت در عملکرد شکل می‌گیرد؛ در دست همان گونه که زیربنای این دگرگونی در «بانک دی»، تصمیم‌های پیوسته و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی بوده است. در نیم‌سال گذشته، مدیران بانک با نگاهی راهبردی و متکی بر انضباط مالی، ساختار منطقی و مصارف را بازچینش کرده‌اند. بازنگری در ساختار هزینه‌ها، تمرکز بر بهینه‌سازی فرآیندهای تأمین مالی، بهبود ترکیب منابع، تغییر طبقه‌بند بانک از تابایی نارنجی به رزر در فرابورس ایران و ارتقای کفایت سرمایه از جمله گام‌هایی است که به تحقق ثبات در تراز مالی انجامیده است. (در این یادداشت، عامدانه به ذکر انبوه‌ارقام‌برهیز کرده‌ام تا تمرکز بر کیفیت تغییر بماند، چراکه هدف، روایت مسیر تحول است، نه صرفاً نمایش نتایج عددی).

بلوغ مدیریتی و نگاه آینده‌نگر

«بانک دی» با اتکای به مدیریت‌داری‌ها و بازنگری در سبید سرمایه‌گذاری، توانسته است داری‌های غیرمولد را به فرصت‌های اقتصادی تبدیل کند؛ موضوعی که در ظاهر مالی است اما در عمق خود، بیانگر بلوغ فکری و مدیریتی در مواجهه با چالش‌های نهادی است. در همین راستا، حرکت به سوی بانکداری دیجیتال، کاهش اصطکاک فرآیندها و بهبود تجربه‌ی مشتری، گام‌هایی است که نه فقط در گزارش‌های رسمی، بلکه در گفت‌وگوهای روزمره‌ی مشتریان بازتاب یافته‌است. در این مسیر، نقش مدیران ارشد «بانک دی» حیاتی است؛ مدیرانی که با گذشت نزدیک به هشت ماه از آغاز دوره‌ی جدید مدیریتی، با نگاهی کلان و رویکردی مبتنی بر تدبیر، راهبری اصلی این مسیر را بر عهده دارند. آنان با درک حساسیت‌های شرایط اقتصادی کشور و با دغدغه‌ی بهبود جایگاه بانک، برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند را در اولویت قرار داده‌اند. در کنار این راهبری، کارکنان «بانک دی» در ستاد و شعب سراسر کشور، ساعت‌های طولانی را روز را صرف پاسخ‌گویی، پیگیری امور مشتریان و تحقق اهداف مالی و عملیاتی بانک می‌کنند. تلاش جمعی آنان، پیوندی است میان تدبیر و مدیریت و اراده‌ی می‌دانی پیوندی که امروز در چهره‌ی آرام و منسجم بانک دی دیده می‌شود.

روابط‌عمومی، تبلیغات و ری‌برندینگ؛ روایت‌گران تصویر تازه «بانک دی»

روابط‌عمومی «بانک دی» در مرحله‌ی جدید تحول، صرفاً نقش اطلاع‌رسانی ندارد؛ بلکه به‌عنوان یک ساختار راهبردی، هدایتگر جریان ارتباطی درون و بیرون سازمان است. بخش تبلیغات با تمرکز بر هوشتمندسازی پیام‌ها، استفاده از ظرفیت رسانه‌های نوین و طراحی کمپین‌های اثربخش، تلاش کرده تصویر تازه‌ی «بانک دی» را در ذهن افکار عمومی تثبیت کند. در همین راستا، پروژه‌ی ری‌برندینگ «بانک دی» نیز با هدف هم‌رسانایی هویت بصری، پیام‌های ارتباطی و تجربه‌ی مشتری در حال اجراست؛ مسیری که به شکل تخصصی، اعتماد عمومی است؛ مسیری که روابط‌عمومی، در حله به مرحله، روابط‌عمومی، می‌شود. تصویر تازه‌ی «بانک دی» را نه با شعار، بلکه با روایت مستمر از مسیر رشد و دستاوردهای واقعی بسازیم.

تغییر نگرش؛ از واکنش به توسعه

امروز، «بانک دی» در مسیر تثبیت جایگاه خود به‌عنوان بانکی پاسخ‌گو، شفاف و ارزش‌آفرین قرار دارد. این مسیر با اقدامات بنیادینی همراه بوده است؛ از جمله اضافه‌بردداشت از بانک مرکزی گرفته تا اصلاح فرآیندهای داخلی و بازنگری در شاخص‌های کلان عملکردی. در همین چارچوب، تمام توان مدیریتی بانک بر این متمرکز شده که چالش‌های باقی‌مانده‌ی حوزه‌های مختلف مالی و عملیاتی را به‌ایه‌فروست تبدیل کند. این مسیر نه آسان بوده و نه کوتاه؛ اما نتیجه‌اش، نشانه‌ای روشن از پایداری و بلوغ نهادی «بانک دی» است. موفقیت‌های اخیر، حاصل همین تلاش مداوم برای اصلاح، شفاف‌سازی و بازسازی اعتماد عمومی است؛ مسیری که روابط‌عمومی، در حله به مرحله، به‌صورت مستند و تحلیلی به اطلاع مردم خواهد رساند اما شاید مهم‌تر از همه، تغییری است که در ذهن‌ها و رفتارها شکل گرفته: تغییر از نگرش کوتاه‌مدت به تفکر توسعه‌محور.

نتیجه: سودآوری به مثابه مسئولیت

«بانک دی» امروز صرفاً یک نهاد مالی نیست؛ بلکه به‌نمادی از اصلاح، بلوغ و خودباوری سازمانی تبدیل شده‌است. سودآوری، در نگاه امروز بانک، فقط محصول تراز نامه نیست؛ نشانه‌ای مسئولیت‌پذیری، اعتمادسازی و شفافیت است. به همین دلیل، مسیر پیش‌رو نه به دنبال افزایش صرف اعداد، بلکه در پی افزایش کیفیت خدمات، تعمیق ارتباط با مشتریان و گسترش فرهنگ پاسخ‌گویی است. «بانک دی» با اتکا به سرمایه‌انسانی متعهد و تصمیم‌های مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی، مسیر تحول خود را با شفافیت و پشتکار ادامه می‌دهد؛ مسیری که هدف آن، خلق ارزش پایدار برای سهام‌داران، ارتقای اعتماد عمومی و ایفای نقش مؤثرتر در اقتصاد ملی است. در پایان، لازم می‌آید تا تمامی رسانه‌های حرفه‌ای و دلسوزی که با دقت، صداقت و مسئولیت، بازتاب‌دهنده و انتقال‌دهنده‌ی روند رو به‌رشد «بانک دی» بوده‌اند، قدرانی کنیم. بی‌تردید، همراهی و انعکاس واقعیت‌های آنان، پاشنه‌ی مهمی‌از شکل‌گیری اعتماد و آگاهی عمومی را رقم زده‌است و این همراهی، گامی‌از زشمن‌د در مسیر توسعه‌ی ایران عزیز است.

منابع بانکی به جای بخش مولد به معاملات ملک هدایت می شود



فاطمه مقصودی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به راهکار محقق شدن رشد ۸ درصدی اقتصادی اشاره کرد و گفت: اگر منابع بانکی به سمت بخش های مولد هدایت شود، رونق تولید را شاهد خواهیم بود و در همین راستا نیز زمینه اشتغال هم فراهم می شود؛ بالاخره وقتی رشد تولید افزایش پیدا کند، نمودار صادرات هم رشد پیدا خواهد کرد و از این طریق ارز وارد کشور می شود، بنابراین با ورود ارز به کشور تورم مهار و زمینه محقق شدن رشد ۸ درصدی فراهم خواهد شد.این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس افزود: اگر وزارتخانه های مختلف براساس برنامه هفتم توسعه در جهت محقق شدن رشد ۸ درصدی گام بردارند این مهم محقق می شود، اما تاکنون که یکسال از تصویب این قانون می گذرد اتفاق خاصی نیفتاده است و متعقدم تیم اقتصادی دولت باید در این زمینه با جدیت وارد شود. وی اظهار کرد: متاسفانه؛ منابع بانکی به جای اینکه صرف بخش های مولد شود، به سمت و سوی خرید ساختمان های مجلل و بنگاه داری سوق داده می شود و عملا تأثیری در رونق تولید نمی گذارند؛ بنابراین وقتی چرخ کارخانه ها متوقف باشد نمی توانیم صادرات انجام دهیم و ورود ارز به کشور منفی خواهد شد که همین موضوع باعث عدم محقق شدن، رشد ۸ درصدی می شود.

«تجارت» از کم کاری بانک‌ها در حمایت از کسب و کار‌ها گزارش می‌دهد

چالش‌های پرداخت وام اشتغال‌زایی



محاسبات مجلس به وضوح اعلام کرده است که ادامه روند فعلی، یعنی تعلل در تخصیص و پرداخت وام‌ها، به معنای عدم تحقق تبصره ۱۵ قانون بودجه و خسارت جبران‌ناپذیر به معیشت مردم خواهد بود. این هشدارها نشان می‌دهد که علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، این مسئله به یکی از چالش‌های جدی حاکمیت و اداره کشور تبدیل شده‌است که نیازمند رسیدگی فوری و عمیق است. برای بازگرداندن روند درست پرداخت وام اشتغال و تحقق اهداف قانون بودجه، دولت دیگر هیچ فرصتی برای اتلاف ندارد. در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ باید بر نامه‌ای منطقه‌ای و جامع تدوین شود که ضمن تعیین دقیق سهمیه‌های اعتباری، تخصیص منابع را به صورت فوری و بدون تأخیر انجام دهد. بانک مرکزی نقش کلیدی در این زمینه دارد و باید فوراً سهمیه هر بانک را مشخص و اعتبارات تعهد شده را به بانک‌های عامل اختصاص دهد. بدون این گام اولیه، سایر مراحل پرداخت وام‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. همچنین نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد و سازمان بهزیستی باید فرایند بررسی پرونده‌های مددجویان و معرفی آنها به بانک‌ها را تسریع و ساماندهی کنند تا با توجه به سهمیه‌های تعیین شده، مددجویان به سرعت وارد فرآیند دریافت وام شوند. این نهادها می‌توانند با کارگیری سامانه‌های الکترونیکی و افزایش هماهنگی با بانک‌ها، از ایجاد صف‌های طولانی و سردرگمی مددجویان جلوگیری کنند و روند پرداخت وام را به شکل قابل توجهی بهبود ببخشند. از سوی دیگر، بانک‌ها نیز باید موظف به پاسخگویی شفاف و دقیق در قبال تعهدات خود باشند و دولت باید با اعمال سیاست‌های تشویقی و تنبیهی، از بانک‌هایی که در پرداخت وام‌ها تأخیر می‌کنند، گزارش عملکرد بخواهد. اعمال سیاست‌هایی مانند افزایش نرخ سبده قانونی برای بانک‌های کم‌کار یا جریمه اعتباری می‌تواند به عنوان ابزارهایی مؤثر برای وادار کردن بانک‌ها به فعال شدن در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد.

• وام اشتغال، زمینه‌ساز استقلال اقتصادی اقشار متوسط

رحمتی‌نیا کارشناس حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی در گفتگو با تجارت‌باشاره به اهمیت وام اشتغال در زمینه ایجاد امید در قشر محروم جامعه گفت: وام اشتغال از طریق

کالابرگ، ابزار مؤثر برای ثبات بازار در شرایط تورمی است



عباس قدرتی زورام سخنگوی کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای باشاره به ضرورت تثبیت قیمت کالابرگ الکترونیکی برای اقتصار آسیب‌پذیر، گفت: در شرایط تورمی واقعاً نیازمند آن هستیم که اجازه ندهیم تورم بیش از این افزایش یابد و برای جامعه هم ثبات نسبی ایجاد کنیم. یکی از محورهای مهم در این زمینه، مدیریت توازن میان عرضه و تقاضاست. سخنگوی کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس افزود: زمانی که این توازن به هم بخورد، حتی در مورد کالاهای ساده‌ای مثل پیاز، مردم ممکن است بیش از نیاز واقعی خود خرید کنند و این چرخه را دچار اختلال کند. این رفتار مصرفی ناشی از بی‌ثباتی بازار است که می‌تواند به تورم دامن بزند. وی ادامه داد: اجرای صحیح طرح کالابرگ آنهم با در نظر گرفتن تثبیت قیمت این کالاها می‌تواند در چنین شرایطی نقش مؤثری در بازگرداندن ثبات به بازار ایفا کند. این طرح اگر با هدف حمایت از معیشت خانوارها، به‌ویژه در دهک‌های متوسط و پایین درآمدی، به‌درستی اجرا شود، می‌تواند چرخه عرضه و تقاضا را تنظیم و به مهار تورم کمک کند. قدرتی با بیان اینکه توزیع کالابرگ نباید به‌صورت اسطشی یا نمایشی انجام شود، خاطرنشان کرد: این ابزار اگر با دقت و در چارچوب سیاست‌های اقتصادی کلان اجرا شود، قطعاً می‌تواند کمک‌حال اقتصاد کشور باشد، اما اگر اجرای آن به‌صورت مقطعی و بدون برنامه‌ریزی پایدار باشد، اقشار جامعه را متحمل آسیب می‌کند.

گروه اقتصاد کلان: اخیراً افزایش سقف فردی تسهیلات

قرض الحسنه «اشتغال و مشاغل خانگی» و «سته‌های شغلی

مصوب کمیسیون عملیات پولی و اعتباری بانک مرکزی»

و نیز «سقف تسهیلات کارفرمایی» به‌منظور اجرا به ۳۳

بانک عامل ابلاغ شد؛ این در حالی است که شبکه بانکی

کشور در طول ماه‌های اخیر عملکرد خوبی در این زمینه

نداشته‌است. به گزارش تجارت، عملکرد دولت در نیمه

نخست سال ۱۴۰۴ در زمینه پرداخت وام اشتغال، موضوعی

است که بدون تردیدی یکی از ضعف‌های آشکار و نگران‌کننده

در سال‌های اخیر به شمار می‌رود و باید به طور جدی مورد

بررسی و تحلیل قرار گیرد. این ضعف، نه تنها موجب توقف

کامل پرداخت‌ها شده، بلکه پیامدهای اقتصادی و اجتماعی

گسترده‌ای را به دنبال داشته‌است که ضرورت دارد به آن‌ها

با دقت و وسعت بیشتری پرداخته شود. وام اشتغال از جمله

ابزارهای کلیدی و اثربخش سیاست‌های اقتصادی کشور است

که در طول سال‌های گذشته به‌عنوان راهکاری برای تحقق

عدالت اجتماعی، توانمندسازی اقشار محروم، افزایش تولید و

تقویت رشد پایدار به کار گرفته شده است. این وام‌ها در قالب

حمایت‌های هدفمند از خانوارهای مددجو، به ویژه در مناطق

محروم و روستایی، طراحی شده‌اند و به یکی از موفق‌ترین

مدل‌های توسعه اشتغال خرد در کشور تبدیل شده‌اند. این ابزار

مالی، علاوه بر نقش حمایتی، به عنوان محرکی برای رشد

اقتصادی منطقه‌ای و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار شناخته

می‌شود که می‌تواند تا حد زیادی از مهاجرت‌های بی‌رویه به

شهرها جلوگیری کند و شرایط زندگی در نقاط کمتر توسعه‌یافته

را بهبود بخشد. اما متأسفانه در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، روند

اجرای این طرح حیاتی با ضعف بسیار جدی و توقف کامل

مواجه شده‌است. آن‌چنان که گزارش‌های رسمی نهادهای

نظارتی نشان می‌دهد عملکرد دولت در زمینه پرداخت وام

اشتغال عملاً به صفر رسیده و این موضوع رنگ خطری بزرگ

برای برنامه‌های اشتغال‌زایی کشور به حساب می‌آید. این ضعف

عملکرد دولت، که در قالب عدم تخصیص اعتبارات لازم و

تعلل در ابلاغ سهمیه‌ها به بانک‌ها خود را نشان داده، موجب

شده که هزاران پرونده مددجویان آماده پرداخت وام، به دلیل

کمبود منابع در صف انتظار باقی بمانند. نکته قابل تأمل این

است که قانون بودجه سال ۱۴۰۴ در تبصره ۱۵ خود، تکلیف

روشن و مشخصی را بر عهده دولت گذاشته بود؛ این قانون با

هدف حمایت از اشتغال‌زایی مددجویان نهادهای حمایتی، از

جمله کمیته امداد، سازمان بهزیستی و سایر گروه‌های هدف،

دولت را ملزم کرده بود تا مبلغ ۱۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات

اشتغال‌زایی را از طریق شبکه بانکی تخصیص دهد و سهمیه

هر بانک و هر نهاد حمایتی را دقیقاً تعیین کند. با این حال،

عملکرد عملی دولت و بانک مرکزی در نیمه نخست سال به

گونه‌ای بوده که تازه در پایان شهریور ماه سهمیه‌ها مشخص

شده و تا پایان مهر ماه نیز بانک‌ها نه سهمیه اختصاص یافته

را دریافت کرده‌اند و نه مددجویان معرفی شده‌اند. این وقفه

طولانی مدت در تخصیص منابع و معرفی مددجویان، با توجه

به اهمیت موضوع و ضرب‌الجلل‌های قانونی، وضعیت غیر قابل

قبول را رقم زده است. علاوه بر این، بانک مرکزی که مسئول

ابلاغ و تخصیص سهمیه اعتبارات به بانک‌هاست، هنوز هیچ

اقدامی در این زمینه انجام نداده و همین موضوع باعث شده

که پرداخت وام‌ها به تعویق بیفتد. این مسئله صرفاً یک تعلل